

نقش زنان کارآفرین در توسعه اقتصادی روستایی مطالعه موردی: دهستان خرمود واقع در شهرستان تویسرکان

مسلم بشیراحسن^۱، ریبازقزبانی نژاد^{۲*}

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۶/۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۲/۱۹

چکیده

مشارکت زنان در کلیه زمینه‌های زندگی اقتصادی، یکی از مهمترین عوامل دستیابی به توسعه پایدار اقتصادی روستایی بوده و ضرورتی بنیادین دارد. بر این اساس، این مقاله به مطالعه نقش فعالیت زنان کارآفرین در توسعه اقتصادی روستایی دهستان خرمود شهرستان تویسرکان می پردازد. داده‌های تحقیق از طریق تنظیم پرسشنامه و مطالعات میدانی برای بیست روستای دهستان خرمود شهرستان تویسرکان جمع‌آوری شده است و با استفاده از روش شناسی توصیفی-تحلیلی، پیمایش به صورت میدانی، به وسیله آزمون اسپیرمن مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. نتایج بدست آمده از تحقیقات میدانی و ارزیابی شاخص‌های مورد مطالعه، بیانگر این مطلب است که مشارکت زنان کارآفرین دهستان خرمود شهرستان تویسرکان زمینه‌های توسعه اقتصادی منطقه، اشتغال، افزایش درآمد، سرمایه گذاری و توسعه تسهیلات را فراهم کرده، با اینحال، تقویت اقتصاد محلی و نشاط و تنوع بخشی اقتصادی طولانی مدت را در سطح منطقه به دنبال نداشته است.

کلید واژه‌ها: کارآفرینی، زنان کارآفرین، توسعه اقتصادی روستایی، دهستان خرمود تویسرکان

مقدمه

امروزه توجه به مشارکت زنان به عنوان نیمی از منابع انسانی، نه تنها از موضوعات و اهداف اساسی توسعه اقتصادی در هر کشور به شمار می‌رود، بلکه ابزاری مؤثر در تحقق اهداف توسعه پایدار نیز محسوب می‌شود. از این رو یکی از شاخص‌های درجه توسعه یافتگی یک کشور، میزان مشارکت و نقشی است که زنان در آن کشور دارا هستند. با توجه به پتانسیل‌های موجود در زنان و نیز توان بالقوه آنان می‌توان در جهت انجام بخشی از اهداف و

برنامه های توسعه از مشارکت آنان بهره جست. مشارکت زنان به معنی دخالت همه جانبه آنان اعم از همفکری، مشاوره، همکاری، تصمیم‌گیری و اجرایی در امور اقتصادی است که امکان می‌دهد تا زمینه توسعه جوامع روستایی فراهم شود. بر اساس اصول توسعه پایدار، یکی از ابعاد بسیار مهم توسعه پایدار روستایی، توسعه اقتصادی در کنار همپوشی با توسعه اجتماعی و اکولوژیک است و یکی از راهکارهای توسعه پایدار اقتصادی روستایی، توسعه کارآفرینی زنان در میان روستاییان است. زنان کارآفرین در توسعه اقتصادی روستاها نقشی کلیدی دارند و به عنوان عناصر اصلی در تسریع توسعه کشورهای در حال توسعه و در تجدید حیات و استمرار توسعه کشورهای صنعتی مورد توجه بوده‌اند. در سال‌های اخیر یکی از مشکلات اساسی کشور ما، عقب ماندگی روستاها و مهاجرت روستاییان به نواحی شهری که عامل اصلی آن مسائل اقتصادی، به خصوص دسترسی به اشتغال بوده است، که مشکلات بسیار زیادی مانند حاشیه نشینی، کاهش کیفیت زندگی، کمبود اشتغال، افزایش جرم و جنایت در شهرها را به همراه داشته است. هدف اصلی از اجرای برنامه های مختلف همچون افزایش نقش زنان کارآفرین در نواحی روستایی، رسیدن به توسعه روستایی است و یکی از اهداف کلان توسعه نیز کاهش بیکاری، ایجاد و افزایش فرصت‌های شغلی است. بیکاری و کمبود فرصت‌های شغلی، نتیجه نابرابری بین عرضه و تقاضای نیروی کار و یا بازار کار در روستاها می باشد. بنابراین می توان نتیجه گرفت که افزایش نقش زنان کارآفرین در توسعه اقتصادی، راهکاری جدید در نظریه های توسعه برای توانمندسازی و ظرفیت سازی در مناطق روستایی در راستای دستیابی به توسعه پایدار است. به طوری که رشد و توسعه بخش کشاورزی، زمینه‌های لازم برای رشد و توسعه سایر بخش‌ها را فراهم می سازد و بدون آن، عوامل و نهاده های لازم برای فعالیت سایر بخش های اقتصادی فراهم نمی شود. از سوی دیگر، با توجه به اهمیت اشتغال و نیروی انسانی در توسعه کشور و دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی با تکیه بر کاهش بیکاری و اشتغالزایی، افزایش سرمایه گذاری در زمینه کارآفرینی زنان روستایی دارای جایگاهی ویژه است.

۱. بیان مسأله

زنان کارآفرین با توجه به نقشی که در جوامع روستایی ایفا می‌کنند، می‌توانند به عنوان محور اصلی پیشرفت و توسعه محسوب شوند. میزان مشارکت زنان کارآفرین در فعالیت‌های اقتصادی زمینه را برای توسعه نواحی روستایی فراهم می‌کند. بنابراین ایجاد زمینه‌های خود آگاهی هدایت توانائی‌های اقتصادی و اجتماعی زنان و برنامه ریزی جهت جلب مشارکت آنان در فعالیت‌های گوناگون الزامی است. در مناطق روستایی زنان نقشی به مراتب بیشتر از مردان در اقتصاد خانوار و فعالیت‌های درون منزل به عهده دارند و موجب رونق اقتصادی جامعه هستند. هنوز زنان جایگاه خود را در بیشتر کشورهای جهان به ویژه کشورهای در حال توسعه به عنوان شهروندان فعال و برخوردار از استعداد مشارکت در عرصه‌های اقتصادی - سیاسی - اجتماعی و فرهنگی به دست نیاورده اند و کماکان فعالیت‌های زنان در محاسبات اقتصادی مد نظر قرار نمی‌گیرد و از آنان به عنوان نیروی کار نامرئی یاد می‌شود. تخمین بسیار مایوس‌کننده تعداد زنان فعال روستایی و برآورد بسیار کم میزان مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی تأییدی بر عدم توجه کافی به امور زنان و ارزش افزوده آنان و زمینه ساز توسعه روستایی است. زنان کارآفرین زمینه ساز ایجاد تحول و منبعی بالقوه برای پیشبرد اقتصاد روستا و افزایش هر چه بیشتر نرخ رشد اقتصادی به شمار می‌روند. اهمیت

موضوع زنان در ایران به ویژه مناطق روستایی از یک سو با محدودیت امکانات و منابع تولیدی و از سوی دیگر با رشد سریع جمعیت و انبوه بیکاران در فرآیند دستیابی به رشد و توسعه روستایی مواجه می‌باشد. با اینکه ضرورت الزام اقتصادی اشتغال و نقش زنان کارآفرین در توسعه اقتصادی روستایی همواره در تاریخ پیشرفت جوامع بشری مطرح بوده است، لکن هنوز در کشور ما بین زنان و مردان تعادل مطلوب و قابل قبولی در زمینه فعالیت‌های مختلف ایجاد نشده است و این امر به علل مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور از گذشته تاکنون مربوط می‌شود. مسائل اقتصادی و اجتماعی پیش روی جوامع روستایی در چند دهه اخیر، رویکرد کارآفرینی را به عنوان یکی از راهبردهای مهم توسعه روستایی مورد توجه قرار داده است، به طوری که اقتصاددانان، کارآفرینان را موتور رشد و توسعه اقتصادی جامعه می‌دانند. با توجه به اهمیت کارآفرینی، بررسی وضعیت اقتصادی گویای این مطلب است که توسعه و رشد کارآفرینی در امور روستایی، تنها راه بهبود مشکلات اقتصادی کشورهای در حال توسعه و پیشگیری از تسریع شدن آن در آینده می‌باشد. بدین منظور برای رسیدن به توسعه ملی در کارآفرینی، زیرساختی مناسب ضروری است. لذا کارآفرینی می‌تواند از یک طرف به عنوان راهکاری جدید در نظریه‌های توسعه برای توانمندسازی و ظرفیت‌سازی در مناطق روستایی در راستای دستیابی به توسعه پایدار باشد که زمینه را برای فعالیت‌ها و تنوع بخشی به درآمد در تولیدات کشاورزی و غیر کشاورزی، افزایش زیرساخت‌های اجتماعی برای انجام توأم تحقیق و توسعه، افزایش کیفیت نیروی انسانی، کیفیت مدیریتی، توسعه آموزش و توسعه تکنولوژی در جوامع روستایی فراهم سازد. در واقع مشارکت زنان همراه مردان در تمامی مسائل نشان پذیرش برابری ارزش انسانی همه آحاد جامعه می‌باشد که با همدیگر در امور مختلف همکاری نموده و از طریق آن دست به تحول می‌زنند و تغییراتی مثبت را به وجود می‌آورند که برای آینده کل جامعه می‌تواند مفید و مؤثر افتد. هدف اصلی از اجرای برنامه‌های مختلف در نواحی روستایی، رسیدن به توسعه روستایی است و یکی از اهداف کلان توسعه نیز کاهش بیکاری، ایجاد و افزایش فرصت‌های شغلی است. بیکاری و کمبود فرصت‌های شغلی، نتیجه نابرابری بین عرضه و تقاضای نیروی کار و یا بازار کار در روستاها می‌باشد. متأسفانه علی‌رغم فعالیت بالای زنان در کشاورزی سهم آنان نادیده گرفته شده و کار آنان ارزش مالی مستقلی ندارد و به عنوان یک عامل نامرئی محسوب می‌شوند. فعالیت‌های زنان در بخش‌های گوناگون کشاورزی در ۸۲ کشور در حال توسعه نشانگر این واقعیت است که زنان روستایی در ۵۲ کشور بیش از ۴۰ درصد کار کشاورزی را و در ۲۴ کشور نیز بیش از ۵۰ درصد کار مزرعه را در مراحل گوناگون تولید به عهده دارند. این ارقام بر حسب مناطق جغرافیایی برای میزان مشارکت زنان در تولیدات کشاورزی متفاوت است (علی بیگی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۴۱). از آن جایی که عدم توجه به نقش زنان در امر توسعه باعث شکست و ناکارآمدی برنامه‌های توسعه می‌شود، لذا توجه به نقش آنان در برنامه‌های توسعه هنگام طرح ریزی و اجرا، لازم و ضروری می‌باشد. در مقایسه ای که بین ۲۲ کشور خاورمیانه در بازه زمانی بین سالهای ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۸ صورت گرفته است، رشد اشتغال زنان در ایران با مقدار ۱/۸ برابر در رتبه اول قرار دارد، اما این رتبه تنها مربوط به رشد اشتغال زنان است. در سال ۱۹۹۰ میلادی، در بین کشورهای خاورمیانه، ایران پس از کشورهای ترکیه، اسرائیل و عراق قرار دارد در این سال به ازای هر صد نفر مرد شاغل، ۲۱ نفر زن مشغول به کار هستند (قدرتی: ۱۳۹۴: ۳۳). در ایران در جمعیت ده ساله و بیشتر، درصد جمعیت زنان فعال، که مجموع زنان شاغل و بیکار است، با یک روند

کاهش از حدود ۱۳ درصد در سال ۱۳۳۵ به حدود ۸ درصد در سال ۱۳۶۵ رسیده و سپس با یک روند افزایشی به حدود ۹ درصد در سال ۱۳۷۵ افزایش یافته است و نهایتاً در سال ۱۳۸۵، این رقم ۱۲ درصد است. البته شایان ذکر است که بیشترین درصد جمعیت بیکار، در سال ۱۳۸۵ بوده است و در طی دهه آخر مورد مطالعه تنها یک درصد به جمعیت زنان شاغل افزوده شده است. در این بین میزان فعالیت زنان شهری با اندکی کاهش تقریباً در طی دوره ۱۳۵۵ تا ۱۳۷۵ ثابت مانده است، اما میزان فعالیت زنان روستایی یک کاهش شدید در دوره ۱۳۶۵-۱۳۵۵ را تجربه کرده و یک افزایش قابل توجه در فاصله سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۶۵ را تجربه کرده است (علاءالدینی و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۳۱). با این حال، در دهستان خرمرو شهرستان تویسرکان تأثیر زنان کارآفرین روستایی بر اقتصاد روستایی مشخص نشده است. چرا که در این منطقه روستاییان بیشتر به کشاورزی اشتغال دارند و زنان روستایی هم‌پای مردان در امور کشاورزی مشغول فعالیت هستند. لذا تحلیل و شناخت چگونگی مشارکت بیشتر زنان در امر تولید و شناسایی عوامل تأثیرگذار در این مشارکت می‌تواند در جهت رفع بسیاری از مشکلات و مسایل اقتصادی روستایی منطقه مورد استفاده قرار گیرد. با در نظر گرفتن نقش زنان در عرصه‌های تولیدی و اقتصادی زمینه‌های مساعد برای توسعه روستایی به دست روستاییان توانمند فراهم خواهد شد و زمینه توسعه پایدار مهیا خواهد گشت. بنابراین با توجه به مسائل مطرح شده، این تحقیق درصدد پاسخگویی به این سؤال است که جایگاه و نقش زنان کارآفرین در توسعه اقتصادی روستایی دهستان خرمرو شهرستان تویسرکان چگونه است؟

در زمینه نقش زنان کارآفرین در توسعه اقتصادی روستایی دهستان خرمرو شهرستان تویسرکان و پاسخ‌گویی به پرسش‌های طرح شده، فرضیه‌های زیر قابل‌ارایه است:

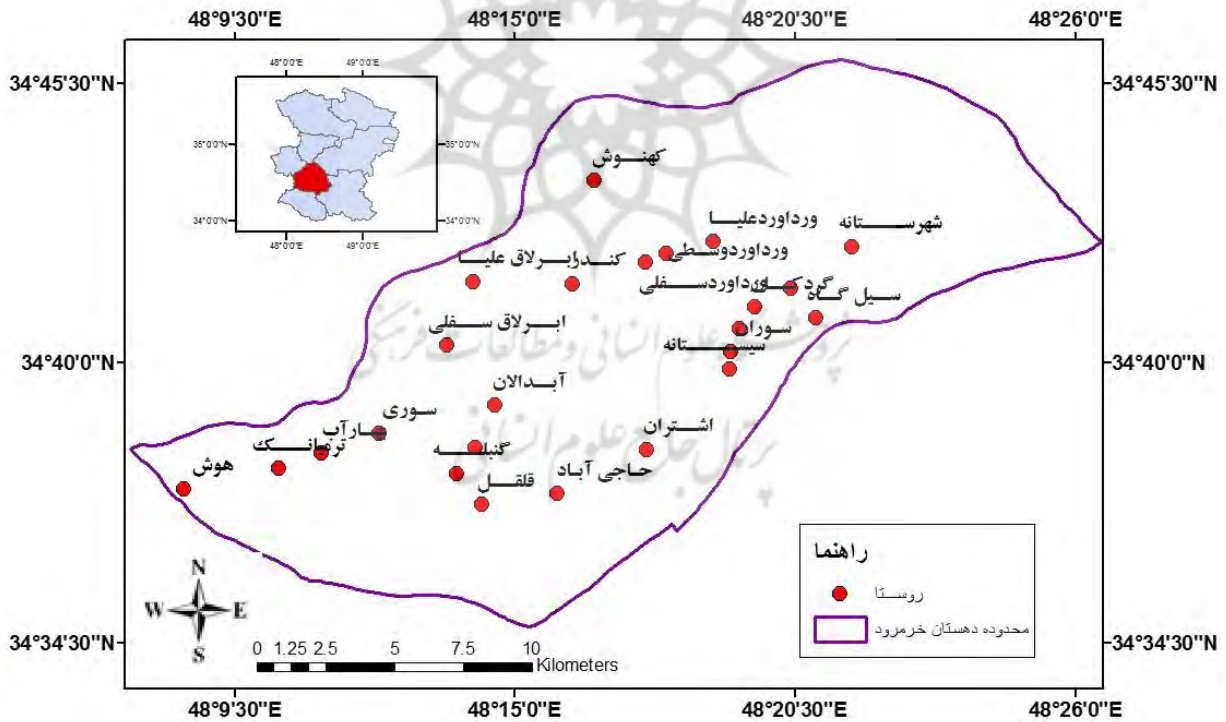
۱. به نظر می‌رسد نقش زنان کارآفرین در توسعه اقتصادی روستایی دهستان خرمرو شهرستان تویسرکان در دهستان خرم رو موثر است.

۲. روش تحقیق

روش انجام این تحقیق توصیفی-تحلیلی است که در آن برای جمع‌آوری اطلاعات مربوط به مسأله تحقیق از پرسشنامه، داده‌های آماری و اسناد و مدارک موجود در سازمان‌ها و کتابخانه‌ها استفاده شده است. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از روش‌های آمار توصیفی استنباطی و به صورت مقایسه‌ای است که از نرم‌افزار SPSS استفاده شده است و برای تعیین نقش زنان کارآفرین در توسعه اقتصادی روستایی دهستان خرمرو شهرستان تویسرکان از روش همبستگی اسپیرمن استفاده گردید. جامعه آماری مورد مطالعه در این تحقیق دهستان خرمرو شهرستان تویسرکان است که بر اساس آمار سال ۱۳۸۵ دارای ۲۰ روستا و ۳۱۹۸ خانوار می‌باشد و بر اساس فرمول کوکران ۳۰۹ سرپرست خانوار به عنوان حجم نمونه انتخاب شده است (جدول شماره ۱).

جدول شماره ۱. جامعه آماری مورد مطالعه دهستان خرمروند شهرستان تویسرکان

نام روستا	خانوار	جمعیت	درصد	حجم نمونه	نام روستا	خانوار	جمعیت	درصد	حجم نمونه
ابریلاق سفلی	۳۸	۱۳۶	۱،۲۰	۴	اشتران	۳۶۵	۱۳۲۸	۱۱،۵۵	۳۵
ابریلاق علیا	۳۶	۱۶۷	۱،۱۳۹	۳	سیستانه	۵۶	۱۶۱	۱،۷۷	۵
کندر	۳۰۲	۱۲۸۹	۹،۵۵	۲۹	حاجی آباد	۱۸۲	۶۶۵	۵،۷۵	۱۸
کهنوش	۴۸۹	۱۷۳۵	۱۵،۴۷	۴۸	قلقل	۳۴۵	۱۴۱۲	۱۰،۹۱	۳۴
ورداورد سفلی	۵۴	۱۸۵	۱،۷۰	۵	ابدالان	۱۱۱	۴۳۱	۳،۵۱	۱۱
ورداورد علیا	۳۷۱	۱۵۵۸	۱۱،۷۴	۳۶	ترمیانک	۱۱۳	۴۷۵	۳،۵۷	۱۱
ورداورد وسطی	۹۳	۳۲۷	۲،۹۴	۹	سوری	۵۴	۲۰۷	۱،۷۰	۵
تیمیجان	۷۹	۲۹۱	۲،۵	۸	بهاراب	۷۲	۲۳۹	۲،۲۷	۷
شهرستانه	۲۳۱	۸۸۸	۷،۳۱	۲۲	گنبله	۹۲	۳۵۶	۲،۹۱	۹
قلعه استیجان	۷۷	۲۴۴	۲،۴۳	۷	نجف آباد	۳۸	۱۲۶	۰،۱۲	۳
مجموع									۳۰۹



شکل شماره ۱. محدوده جغرافیایی دهستان خرمروند شهرستان تویسرکان

۳. تعریف مفاهیم و چارچوب نظری

توسعه روستایی دارای جنبه‌های گوناگونی است و در این زمینه بحث‌های فراوانی وجود دارد و درباره آن دیدگاه‌ها و قلمروهای متفاوتی دیده می‌شود. اما به طور کلی وجه مشترک همه این تعاریف بهبود کیفیت زندگی انسان‌هاست و این خود مستلزم کارآمد شدن محیط طبیعی و اقتصادی و اجتماعی روستائیان است. توسعه روستایی طیف وسیعی از فعالیت‌های گوناگون انسانی را شامل می‌شود که مردم را به ایستادن روی پای خود و از میان برداشتن ناتوانی‌های ساختاری موجود غالب می‌سازد. ناتوانی‌هایی که آنها را قرن‌ها و نسل‌ها در شرایط نامساعد زندگی شان به صورت اسیر نگه داشته است (میسرا: ۱۳۶۵: ۱۱). رشد و توسعه جوامع انسانی بر حسب زمان و مکان و با توجه به زیست و فعالیت بخشی از آنها در فعالیت‌های روستایی، برنامه‌ریزی و توسعه روستایی مفهوم پیدا می‌کند. اساساً حوزه‌های روستایی به عنوان قاعده نظام سکونت و فعالیت ملی، نقش اساسی در توسعه ملی ایفا می‌کنند. چرا که توسعه پایدار سرزمین در گرو پایداری نظام روستایی به عنوان زیر نظام تشکیل دهنده سرزمین است و پایداری فضاهای روستایی در ابعاد مختلف می‌تواند نقش مؤثری در توسعه منطقه‌ای و ملی داشته باشد (رضوانی: ۱۳۸۳: ۲). تنوع ویژگی‌های طبیعی، اجتماعی، اقتصادی و فضایی کالبدی کشور باعث شده که هر یک از نواحی روستایی ویژگی‌ها، امکانات، استعدادها و نیز تنگناها و محدودیت‌های معینی داشته و به همین ترتیب هر یک با قرار داشتن در سطح معینی از توسعه و سازمان یافتگی، اولویت‌ها و نیازهای خاصی داشته باشند. این وضعیت به طور کلی لزوم برنامه‌ریزی روستایی، به ویژه در سطح محلی را ایجاب می‌کند (رضوانی: ۱۳۸۳: ۹). یکی از محاسن طرح توسعه پایدار همین مکمل دانستن ابعاد مختلف توسعه است و از این روست که گفته می‌شود رویکرد کل‌گرایانه در توسعه پایدار، نگرش یک پارچه به همه عوامل اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی را طلب می‌کند (بدری و افتخاری: ۱۳۸۲: ۳۲). توسعه پایدار روستایی عبارت است از نگرشی همه جانبه و سینوپتیک و فرآیندی به منظور افزایش قدرت انتخاب مردم، گسترش دموکراسی، تواناسازی مردم به منظور تصمیم‌گیری برای شکل دهی به فضای زندگی، افزایش رفاه و خوشبختی، گسترش فرصت‌ها و ظرفیت‌های بالقوه، توانا سازی زنان، فقرا و دهقانان مستقل و آزاد برای سازماندهی فضای زندگی خویش و همچنین توانا سازی برای انجام کار گروهی. در واقع می‌توان گفت توانمندسازی و ظرفیت سازی به عنوان کانون و هسته مرکزی پارادایم جدید در تعاریف گفته شده مورد توجه است (افتخاری: ۱۳۸۴: ۱۱). در دهه‌های اخیر، تجربیات توسعه روستایی در کشورهای مختلف جهان نشان می‌دهد که این مهم با تزریق سرمایه و فناوری تحقق نمی‌یابد، بلکه عوامل بسیاری در این قضیه دخیلند. امروزه توجه به روحیه کارآفرینی بین روستاییان و از جمله کشاورزان از مهم‌ترین راه کارهای توسعه روستایی محسوب می‌شود. اهمیت کارآفرینی در توسعه روستایی از آنجا ناشی می‌شود که فرد کارآفرین می‌تواند با شناسایی فرصت‌ها و مشکلات موجود، به ابداع راه کارهای نوین در جهت رشد و توسعه همت گمارد. بدین ترتیب کارآفرینی می‌تواند از طریقه ایجاد اشتغال، بهبود کیفیت زندگی، توزیع مناسب درآمد و بهره‌برداری بهینه از منابع، نقش مهمی در توسعه روستایی داشته باشد (کرد: ۱۳۹۲: ۱۶). اگرچه کارآفرینی تنها راهکار اشتغال‌زایی و افزایش درآمدهای مردم روستایی نیست، اما اقتصاددانان این امر را مهم‌ترین عامل توسعه اقتصادی روستاها دانسته و سیاستمداران آن را یک راهبرد کلیدی برای جلوگیری از اغتشاشات و ناآرامی‌ها در روستاها می‌دانند. همچنین کشاورزان و روستاییان آن را

ابزاری برای بهبود درآمد خویش، و زنان آن را امکانی برای اشتغال در مجاورت محل سکونت خود که می‌تواند خودکفایی، استقلال و کاستن از نیازهای اجتماعی آنان را در پی داشته باشد، قلمداد می‌کند، زیرا زمینه‌های استفاده از کارآفرینی در نواحی روستایی بسیار گسترده و متنوع است (Laukhanen, 2003: 372). کارآفرینی می‌تواند فرصت‌های جدیدی را برای روستاییان ایجاد کند تا درآمد و سرمایه خود را افزایش دهند. همچنین با ایجاد مؤسسات جدید و کسب و کارهای کوچک و متوسط، استانداردهای زندگی در جوامع روستایی را بهبود بخشد. اهمیت موضوع کارآفرینی از جنبه‌های مختلفی قابل بررسی می‌باشد. مثلاً کشورهای توسعه یافته با استفاده از فعالیت‌های خلاقانه حیاتی دوباره به اقتصاد خود می‌بخشند و مشکلات ناشی از بیکاری را با ایجاد فرصت‌های شغلی جدید ناشی از فعالیت‌های کارآفرینانه حل می‌نمایند، همچنین آن به صورت یک کاتالیزور بالقوه جهت پیشرفت تکنولوژیکی و نوآوری در محصول و بازارپذیرفته می‌شود (کرد: ۱۳۹۲: ۱۸). منابع انسانی توسعه یافته عامل کلیدی و پیش شرطی برای دستیابی به توسعه پایدار روستایی است و رسیدن به اهداف توسعه بدون استفاده از نیمی از پیکره جامعه یعنی زنان، امری غیرممکن خواهد بود و به همین دلیل زنان روستایی توانمند نقش مؤثری در توسعه روستایی خواهند داشت (کتانی و دیگران: ۱۳۸۲: ۵). در تعریفی از توانمندسازی زنان آمده است که توانمندسازی زنان یعنی آن‌ها بر شرم بی‌مورد خود فائق آیند، کردار و گفتارشان حاکی از اعتماد به نفس و اطمینان خاطر باشد، قادر به ارزیابی صحیح و شناخت واقعی خوشتن باشد، به استعدادها و محدودیت‌های درونی خویش آگاه باشند، قدرت رویارویی با دشواری‌ها را داشته باشند و در رفع آن‌ها بکوشند، از توانایی و قابلیت نیل به هدف‌های خویش برخوردار باشند و بتوانند با افزایش توانمندی خویش به هدف‌های مورد نظر دست یابند (فرخی: ۱۳۷۶: ۷۶). واژه کارآفرینی از ریشه فرانسوی فعل «Entreprendre» به معنی تعهد کردن کاری است. کارآفرین کسی است که تعهد می‌کند تا سازماندهی و مدیریت کسب و کار جدیدی را که توأم با ریسک است، بپذیرد. کارآفرین و کارآفرینی اولین بار مورد توجه اقتصاددانان قرار گرفت و تمامی مکاتب اقتصادی از قرن شانزدهم میلادی تاکنون به نحوی کارآفرینی را در نظریه‌های اقتصادی خود تشریح نموده‌اند (احمدپور داریانی، ۱۳۷۹: ۵). از اواسط قرن بیستم روانشناسان، جامعه‌شناسان و دانشمندان علوم رفتاری با درک نقش کارآفرینان در اقتصاد و به منظور شناسایی ویژگی‌ها و الگوهای رفتاری کارآفرینان، به بررسی و تحقیق در خصوص کارآفرینان پرداختند (احمدپور داریانی: ۱۳۷۹: ۱۴). ژان باتیست سی، اولین کسی بود که بر نقش حیاتی کارآفرینان در بسیج منابع کارآفرینی به عنوان یک اقتصاد بر اساس اصول بهره‌وری تأکید کرد (احمدپور و همکاران: ۱۳۸۵: ۴۶).

● نقش محوری زنان روستایی بر توسعه کارآفرینی و توسعه روستا

زنان روستایی نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای در روند توسعه روستایی دارند. به طوری که از جنبه اقتصادی، زنان روستایی تولیدکننده بیش از نیمی از تمام مواد غذایی هستند که در مناطق روستایی تولید می‌شود. زنان در واقع مدیران اقتصاد خانوار بوده، بسیاری از فعالیت‌های مرتبط با آماده‌سازی، نگهداری و فرایند مواد غذایی را بر عهده دارند و در امور مربوط به نگهداری از دام‌ها، تهیه مواد غذایی، جمع‌آوری سوخت و مدیریت اقتصاد خانوار نیز نقش عمده‌ای ایفا می‌کنند. به طوری که در چند سال اخیر، این نکته به خوبی روشن شده است که سهم عمده‌ای از

درآمد خانوارهای روستایی از طریق فعالیت زنان به دست می‌آید و در برخی موارد حتی سهم درآمد زنان در اقتصاد خانوار، بیش از سهم مردان است. در فرآوری مواد غذایی نیز، زنان نه تنها مدیریت تغذیه و تأمین مواد غذایی بلکه نقش اساسی را نیز در جمع‌آوری و تأمین سوخت برای تهیه و تولید مواد غذایی بر عهده دارند (عمادی: ۱۳۷۷: ۲۵). امروزه حضور زنان در بازار کار و مشارکت آنها در فعالیت‌های اقتصادی-اجتماعی به یکی از شناسه‌های مهم توسعه انسانی تبدیل شده است (یعقوبی فرانی: ۱۳۹۳: ۸). زنان به عنوان یکی از عوامل غیرمشهود و نامرئی در اقتصاد کشاورزی، سهم عظیمی از کل نیروی انسانی مورد نیاز بخش کشاورزی در سطح جهان را تشکیل می‌دهند (خباززاده: ۱۳۹۰: ۱۸۹). زنان در زمان کوتاهی توانسته‌اند با ورود به عرصه کسب و کار، تحولات عظیمی در توسعه اقتصادی کشورها ایجاد کنند. چنانچه آمارها نشان می‌دهد فعالیت‌های اقتصادی زنان، ۲۵ تا ۳۵ درصد کل فعالیت‌های اقتصادی جهان را تشکیل می‌دهد. کارآفرینی و اشتغال زنان روستایی ضمن افزایش درآمد خانواده، به واسطه کاهش تفاوت و شکاف موجود بین خانوارهای شهری و روستایی، صرفه‌جویی در هزینه‌های تولید محصولات زراعی و دامی، بهبود وضعیت سواد و بهداشت خانواده، تأمین هزینه‌های خانوار به عنوان سرپرست و نیز کاهش مهاجرت به شهرها می‌تواند زندگی روستایی و در نهایت کل جامعه روستا را تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین، شناسایی استعدادهای کارآفرینی روستاییان، به ویژه زنان روستایی و تلاش برای توسعه و تقویت کارآفرینی در فرایند توسعه روستایی از طریق فراهم کردن زمینه‌های اولیه آن، اهمیت ویژه‌ای دارد (میرترابی و حجازی: ۱۳۹۰: ۱۴). یکی از شاخص‌های نوسازی اقتصادی ملی و توسعه اجتماعی، مشارکت زنان و نحوه ایفای نقش آنها در ساختارهای اقتصادی است. زنان به ویژه در مناطق روستایی نقش عمده‌ای در تولید محصولات گوناگون زراعی و دامی بر عهده دارند. میزان مشارکت زنان روستایی در بخش کشاورزی کشورهای توسعه یافته، به دلیل ساختار مکانیزاسیون آن کاهش یافته است، اما سهم آنها در افزایش درآمد کشورهای خود ملاحظه پذیر است. در کشورهای درحال توسعه این میزان افزایش داشته است به باور کارشناسان، زنان به لحاظ توانایی‌های خود می‌توانند بر جریان‌های توسعه در جوامع اثرگذار بوده و امروزه میزان و نقش مشارکت‌های زنان از نشانه‌های اصلی موفقیت یا شکست سیاست‌های توسعه‌ای به شمار می‌رود (یعقوبی فرانی: ۱۳۹۳: ۹).

۴. یافته‌های پژوهش

زنان کارآفرین زمینه اشتغال زائی و توسعه اقتصادی نواحی روستایی را فراهم می‌کنند و در یک اقتصاد رو به رشد و پویا نمی‌توان هیچ‌گونه محدودیتی برای توسعه اقتصادی بدون توجه به اشتغال، درآمد و توزیع، سرمایه‌گذاری، تسهیلات، تقویت اقتصاد محلی و نشاط و تنوع بخشی اقتصادی طولانی مدت در نظر گرفت. بخش عمده‌ای از توسعه روستایی در حوزه فعالیت اقتصاد زنان کارآفرین اتفاق می‌افتد. رشد و توسعه اقتصادی روستا بدون توجه به اجزای آن امکان‌پذیر نیست و توزیع اشتغال بین بخش‌های اصلی فعالیت‌های اقتصادی تابع پارامتر اشتغال، درآمد و توزیع، سرمایه‌گذاری، تسهیلات، تقویت اقتصاد محلی و نشاط و تنوع بخشی اقتصادی طولانی مدت هستند که در ادامه به بررسی نقش زنان کارآفرین در توسعه اقتصادی دهستان خرمرود پرداخته می‌شود.

• اشتغال

زنان در کشورهای رو به توسعه، امید اول برای ارتقای خانواده‌ها و رشد و توسعه کشورهای خود محسوب می‌شوند. موفقیت زنان کارآفرین در جوامع نه تنها سبب سودهای اقتصادی می‌شود، بلکه منافع اجتماعی و فرهنگی هم ایجاد می‌نماید. زنان به دلایل متعدد از جمله بیکاری و کاهش دستمزدها و نارضایتی از شغل قبلی، وارد کارآفرینی می‌شوند. چون کارآفرینی راهی برای برون‌رفت از بیکاری معمول است. هرچند اشتغال زنان طی سال‌های گذشته به دلیل افزایش جمعیت فعال با دشواری‌هایی مواجه شده است اما زنان می‌توانند در عرصه‌های اقتصادی با کارآفرینی شرایط فعالیت خود را در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی بازتعریف کنند و آن را بهبود بخشند. یکی از عوامل بسیار مهم در سنجش موقعیت زنان روستایی در بخش‌های اقتصادی، توان اشتغال‌زایی آن بخش است. در روند تولیدات کشاورزی در جامعه روستایی، زنان روستایی به عنوان عامل انسانی پیوسته نقشی تعیین‌کننده دارند. این نقش با توجه به نوع فعالیت (زراعی، صنایع دستی و...) به شکل نیروی فکری و ذوقی و به صورت نیروی بدنی در ساخت و شکل‌گیری فرآورده‌های گوناگون این رشته نمایان می‌شود. با توجه به رشد جمعیت روستایی در ایران و رشد مکانیزاسیون در فعالیتهای کشاورزی، در آینده یکی از مهم‌ترین مسایل روستاهای ایران، کاهش اشتغال خواهد بود، از این رو برنامه‌ریزی برای توسعه فعالیتهای کارآفرینی زنان روستایی در بخش‌های گوناگون در درازمدت مثمر ثمر خواهد بود. در این تحقیق به منظور بررسی نقش زنان کارآفرین در توسعه اقتصادی روستایی دهستان خرمود شهرستان تویسرکان از شش متغیر برای برای دسترسی به داده‌های مورد نیاز در قالب پرسشنامه استفاده گردید. از تجزیه و تحلیل داده‌های میدانی گردآوری شده با استفاده از آزمون اسپیرمن که در جدول شماره ۲ آمده است، چنین استنباط می‌شود که با توجه به این که میزان احتمال محاسبه شده کوچکتر از سطح ۰/۰۵ می‌باشد و این بدان معناست که فعالیت زنان کارآفرین در توسعه اقتصادی روستایی دهستان خرمود در اشتغال افراد غیر بومی در مشاغل سودآور و کلیدی ایجاد شده توسط زنان، استمرار و گسترش فعالیتهای زنان کارآفرین، رضایت از شغل در بخش ایجاد شده توسط زنان، ایجاد فرصت‌های شغلی برای زنان روستا، ایجاد و توسعه کارآفرینی و افزایش فرصت‌های شغلی برای جامعه روستا رابطه معناداری وجود دارد ولی در ایجاد فرصت‌های شغلی برای جوانان روستا رابطه معناداری وجود ندارد.

• درآمد و توزیع

در جامعه‌ای که مشارکت زنان در زمینه اشتغال و فعالیتهای اقتصادی بیشتر باشد، رفاه اجتماعی و درآمد و توزیع نیز بیشتر است. زیرا مشارکت زنان در بازار کار، موجب کاهش نرخ باروری، افزایش سطح تولید، افزایش درآمد سرانه و در نتیجه سبب افزایش رفاه اجتماعی و توزیع درآمد در جامعه می‌شود. به منظور بررسی نقش زنان کارآفرین در توسعه درآمد و توزیع آن در دهستان خرمود شهرستان تویسرکان با استفاده از آزمون اسپیرمن به تجزیه و تحلیل داده‌های میدانی گردآوری شده پرداخته شده است که در جهت آزمون این شاخص از ۶ گویه برای ارزیابی استفاده شده است. همانطوری که از جدول شماره ۲ آمده است استنباط می‌شود که با توجه به این که میزان احتمال محاسبه شده کوچکتر از سطح ۰/۰۵ می‌باشد و این بدان معناست که فعالیت زنان کارآفرین در توسعه درآمد

و توزیع آن در روستاهای دهستان خرمرو در ایجاد درآمد برای نهادهای محلی، کاهش فقر، افزایش درآمد کسبه محلی، ثبات درآمدی، افزایش درآمد جامعه میزبان، افزایش نرخ اشتغال در بخش کارآفرینی ایجاد شده توسط زنان رابطه معناداری وجود دارد.

• سرمایه‌گذاری

یکی از مهم‌ترین موانع توسعه اقتصادی در کشورهای در حال توسعه کمبود سرمایه است. همین سرمایه کم نیز به دلیل نبود فرهنگ سرمایه‌گذاری، صرف فعالیت‌های غیراقتصادی می‌شود. به منظور بررسی نقش فعالیت زنان کارآفرین در سرمایه‌گذاری در دهستان خرمرو از ۶ گویه برای ارزیابی آن استفاده شده است. همان‌طوری که از جدول شماره ۲ آمده است استنباط می‌شود با توجه به این که میزان احتمال محاسبه شده کوچک‌تر از سطح ۰/۰۵ می‌باشد و این بدان معناست که فعالیت زنان کارآفرین در سرمایه‌گذاری و توزیع آن در روستاهای دهستان خرمرو در بخش خدمات آموزشی، ترویجی و اطلاع‌رسانی، افزایش سرمایه‌گذاری در زمینه تأسیسات زیربنایی مربوط به خانوارها، افزایش ریسک‌پذیری سرمایه‌گذاری در زمینه‌های اقتصادی خانوار و ایجاد مؤسسه‌های اقتصادی جدید مرتبط با بخش کارآفرین رابطه معناداری وجود دارد ولی زمینه را برای سرمایه‌گذاری زنان بومی در بخش توسعه کارآفرین در روستا و افزایش سرمایه‌گذاری در زمینه فعالیت‌های تولیدی مربوط به کارآفرینی در روستا فراهم نکرده است.

• تسهیلات

به منظور بررسی نقش فعالیت زنان کارآفرین در استفاده از تسهیلات مربوطه در دهستان خرمرو از ۳ گویه برای ارزیابی آن استفاده شده است. همان‌طوری که از جدول شماره ۲ استنباط می‌شود با توجه به این که میزان احتمال محاسبه شده کوچک‌تر از سطح ۰/۰۵ می‌باشد و این بدان معناست که فعالیت زنان کارآفرین در استفاده از تسهیلات و توزیع آن در روستاهای دهستان خرمرو، استفاده از تسهیلات کارآفرینی برای دریافت وام و.. برای خانوار، تشویق سرمایه‌گذاران محلی برای ایجاد فرصت‌های شغلی، استفاده از تسهیلات کارآفرینی برای ایجاد منابع مالی جدید برای فعالیت‌های جدید رابطه معناداری وجود دارد.

• تقویت اقتصاد محلی و نشاط و تنوع بخشی اقتصادی طولانی مدت

به منظور بررسی نقش فعالیت زنان کارآفرین در تقویت اقتصاد محلی و نشاط و تنوع بخشی اقتصادی طولانی مدت در دهستان خرمرو از ۴ گویه برای ارزیابی آن استفاده شده است. همان‌طوری که از جدول شماره ۲ استنباط می‌شود با توجه به این که میزان احتمال محاسبه شده کوچک‌تر از سطح ۰/۰۵ می‌باشد و این بدان معناست که بین نقش زنان کارآفرین در تقویت اقتصاد محلی و نشاط و تنوع بخشی اقتصادی طولانی مدت و توزیع آن در روستاهای دهستان خرمرو و افزایش جمعیت محلی درگیر در تجارت کارآفرینی رابطه معناداری وجود دارد، اما رابطه معناداری در تعداد اقدامات صورت گرفته برای کاهش نشت خروجی‌ها از مقصد و نیز محدود کردن مالکیت غیر محلی، افزایش بنگاه‌های اقتصادی کوچک و متوسط محلی مربوط به کارآفرینی در مقصد، افزایش کالاها و

تولیداتی که از منابع محلی ساخته شده و در کسب و کار عرضه می گردد، وجود ندارد. تجزیه و تحلیل پنج شاخص کلی مورد مطالعه در این تحقیق به منظور تعیین نقش فعالیت زنان کارآفرین در توسعه اقتصادی دهستان خرمود نشان می دهد که فعالیت زنان کارآفرین در توسعه اشتغال، افزایش درآمد و توزیع، سرمایه گذاری، رونق استفاده از تسهیلات در روستاهای دهستان خرمود نقش اساسی دارد ولی زمینه را برای تقویت اقتصاد محلی و نشاط و تنوع بخشی اقتصادی طولانی مدت فراهم نکرده است (جدول شماره ۳).

جدول شماره ۲. تعیین نقش زنان کارآفرین در توسعه اقتصادی در دهستان خرمود

اسپیرمن	طیف لیکرت: ۱. خیلی زیاد ۲. زیاد ۳. متوسط ۴. کم ۵. خیلی کم					شاخص	گروه			
	نتیجه رابطه	N	Sig. (2-tailed)	Correlation Coefficient	۵			۴	۳	۲
معنادار	۳۰۹	/.۰۱۶	/.۱۳۷	۴۲	۳۴	۱۴۸	۴۳	۴۲	استمرار و گسترش فعالیت های زنان کارآفرین	اشتغال
معنادار	۳۰۹	/.۰۰۱	/.۱۴۹	۳۲	۲۴	۱۲۸	۶۹	۵۶	اشتغال افراد غیر بومی در مشاغل سودآور و ایجاد شده توسط زنان	
معنادار	۳۰۹	/.۰۰۰	/.۳۱۰	۴۸	۴۴	۱۱۷	۳۹	۶۱	رضایت از شغل در بخش ایجاد شده توسط زنان	
معنادار	۳۰۹	/.۰۰۲	/.۱۷۵	۵۸	۲۸	۱۴۸	۳۲	۴۳	ایجاد فرصت های شغلی برای زنان روستا	
معنادار نیست	۳۰۹	/.۴۲۶	/.۰۴۵	۲۱	۱۶	۱۵۸	۵۲	۶۲	ایجاد فرصت های شغلی برای جوانان روستا	
معنادار	۳۰۹	/.۰۰۲	/.۱۷۲	۱۰	۲۵	۱۲۳	۶۷	۸۴	ایجاد و توسعه کارآفرینی و افزایش فرصت شغلی برای جامعه روستا	توسعه درآمد
معنادار	۳۰۹	/.۰۲۶	/.۱۲۷	۴۰	۱۹	۱۸۰	۲۸	۴۲	ایجاد درآمد برای نهادهای محلی	
معنادار	۳۰۹	/.۰۰۰	/.۲۹۲	۳۱	۳۱	۱۳۷	۴۷	۶۳	کاهش فقر	
معنادار	۳۰۹	/.۰۰۰	/.۲۹۶	۷۱	۴۹	۱۱۰	۴۴	۳۵	افزایش درآمد کسبه ی محلی	
معنادار	۳۰۹	/.۰۰۰	/.۰۳۷	۲۰	۱۳	۱۱۹	۵۴	۱۰	ثبات درآمدی	
معنادار	۳۰۹	/.۰۰۰	/.۲۰۲	۲۸	۲۸	۱۶۶	۳۹	۴۸	افزایش درآمد جامعه ی میزبان	
معنادار	۳۰۹	/.۰۰۳	/.۱۶۷	۳۱	۷۰	۱۴۶	۳۹	۲۳	افزایش نرخ اشتغال در بخش کارآفرینی ایجاد شده توسط زنان	
معنادار	۳۰۹	/.۰۰۰	/.۲۳۷	۳۲	۴۸	۱۴۵	۵۴	۳۰	سرمایه گذاری در خدمات آموزشی ترویجی و اطلاع رسانی	سرمایه گذاری
معنادار نیست	۳۰۹	/.۷۳۱	/.۰۲۰	۶۴	۵۷	۱۵۴	۲۶	۸	سرمایه گذاری زنان بومی در بخش توسعه کارآفرین در روستا	
معنادار	۳۰۹	/.۰۴۱	/.۱۱۶	۲۵	۲۷	۱۴۵	۶۷	۴۵	افزایش سرمایه گذاری در زمینه تأسیسات زیربنایی خانوارها	
معنادار نیست	۳۰۹	/.۹۹۶	/.۰۰۱	۵۲	۶۶	۱۴۰	۴۲	۹	افزایش سرمایه گذاری در زمینه فعالیت های تولیدی کارآفرین	
معنادار	۳۰۹	/.۰۰۵	/.۱۵۸	۳۱	۴۱	۱۷۵	۵۶	۶	افزایش ریسک پذیری سرمایه گذاری اقتصادی خانوار	
معنادار	۳۰۹	/.۰۰۰	/.۲۰۴	۵۹	۵۵	۱۴۴	۳۵	۱۶	ایجاد مؤسسه های اقتصادی جدید مرتبط با بخش کارآفرینی	

اسپیرمن	طیف لیکرت: ۱. خیلی زیاد ۲. زیاد ۳. متوسط ۴. کم ۵. خیلی کم					شاخص	گروه			
	نتیجه رابطه	N	Sig. (2-tai led)	Correlation Coefficient	۵			۴	۳	۲
معنادار	۳۰۹	/.۰۲۱	/.۱۳۱	۵۲	۵۵	۱۴۴	۴۹	۹	استفاده از تسهیلات کارآفرینی برای دریافت وام و... برای خانوار	تسهیلات
معنادار	۳۰۹	/.۰۰۵	/.۱۵۹	۷۱	۵۱	۱۳۸	۳۵	۱۴	استفاده از تسهیلات کارآفرینی برای ایجاد منابع مالی جدید	
معنادار	۳۰۹	/.۰۰۲	/.۱۷۹	۶۴	۶۳	۱۳۴	۳۵	۱۳	تشویق سرمایه گذران محلی برای ایجاد فرصت شغلی	
معنادار نیست	۳۰۹	/.۵۲۸	/.۰۳۶	۱۷	۵۵	۸۸	۱۲	۲۳	افزایش کالاها و تولیداتی که از منابع محلی ساخته شده	تقویت اقتصاد محلی
معنادار نیست	۳۰۹	/.۷۱۶	/.۰۲۱	۱۸	۵۲	۱۰۷	۹۸	۳۴	افزایش بنگاههای اقتصادی کوچک و متوسط محلی مربوط به کار آفرینی	
معنادار	۳۰۹	/.۰۰۰	/.۲۱۱	۴۹	۱۰	۷۴	۷۱	۱۵	افزایش جمعیت محلی درگیر در تجارت کار آفرینی	
معنادار نیست	۳۰۹	/.۱۰۶	/.۰۹۲	۲۰	۵۶	۱۲۴	۷۳	۳۶	اقدامات صورت گرفته برای کاهش نشت خروجی از مقصد و نیز محدود کردن مالکیت غیر محلی	

مأخذ: مطالعات میدانی و اطلاعات استخراج شده از پرسشنامه ۱۳۹۵

جدول شماره ۳. تعیین نقش زنان کارآفرین در توسعه اقتصادی دهستان خرمرود

اسپیرمن				گروه
نتیجه رابطه	N	Sig. (2-tai led)	Correlation Coefficient	
معنا دار	۳۰۹	/.۰۰۰	/.۲۶۴	اشتغال
معنا دار	۳۰۹	۰۰۰	/.۲۸۸	درآمد و توزیع
معنا دار	۳۰۹	۰۰۰	/.۱۵۶	سرمایه گذاری
معنا دار	۳۰۹	۰۰۰	/.۲۵۷	تسهیلات
معنا دار نیست	۳۰۹	/.۰۶۰	/.۱۰۷	تقویت اقتصاد محلی و نشاط و تنوع بخشی اقتصادی طولانی مدت

مأخذ: مطالعات میدانی و اطلاعات استخراج شده از پرسشنامه ۱۳۹۵

۵. تجزیه و تحلیل و نتیجه گیری

افراد کارآفرین به عنوان عامل کلیدی رشد و توسعه اقتصادی در عصر مدرن شناخته شده و موجب بهره‌مندی و توسعه جوامع و کشور می‌شوند. فعالیت زنان روستایی به عنوان مولد تولید و نیروی کار همواره یکی از مباحث مورد توجه در زمینه توسعه اقتصادی جوامع روستایی به شمار می‌رود. بدیهی است حضور زنان در کنار مردان و کار آنان در انجام امور خانه و خانواده بر کسی پوشیده نیست و به این ترتیب می‌توان گفت که تاریخ اشتغال زنان

روستایی از آغاز زندگی اجتماعی انسان بر روی زمین بوده است. یکی از عوامل بسیار مهم در سنجش موقعیت زنان روستایی در بخش‌های اقتصادی، توان اشتغالزایی آن بخش است. در روند تولیدات کشاورزی در جامعه روستایی، زنان روستایی به عنوان عامل انسانی پیوسته نقشی تعیین‌کننده دارند. این نقش با توجه به نوع فعالیت (زراعی، صنایع دستی و...) به شکل نیروی فکری و ذوقی و به صورت نیروی بدنی در ساخت و شکل‌گیری فرآورده‌های گوناگون این رشته نمایان می‌شود. در واقع مشارکت زنان روستایی در زمینه‌های مختلف اقتصادی مقوله بسیار مهمی در افزایش درآمد خانوارهای روستایی و همچنین دستیابی به توسعه واقعی است. بر این اساس توسعه کارآفرینی زنان در مناطق روستایی به عنوان هسته پایه‌ای و کلیدی در اقتصاد ملی، نیازمند داشتن برنامه راهبردی است. براساس تحلیل‌های نظریه‌ای، به توسعه کارآفرینی موفق و کارآفرین در مناطق روستایی بایستی به عنوان سرمایه‌های انسانی عظیم نگریسته شود، زیرا آن‌ها به عنوان نیروهای خلاق و نوآور و متفکر در زمینه‌های فعالیتی خود می‌توانند تحولی در زندگی و حیات اجتماعی و اقتصادی مناطق روستایی ایجاد کنند و روستاها را از حالت ایستایی (فقر، بیکاری، الگوهای معیشتی سنتی و تک‌ساختی و بدون تنوع) و حتی در برخی موارد سقوط (تخلیه شدن روستاها به دلیل مهاجرت) نجات دهند. با توجه به این مسائل نقش زنان کارآفرین دهستان خرم‌رود شهرستان تویسرکان در توسعه اقتصادی منطقه، زمینه را برای اشتغال، افزایش درآمد و توزیع سرمایه‌گذاری و توسعه تسهیلات فراهم کرده است، اما این شرایط را برای تقویت اقتصاد محلی و نشاط و تنوع بخشی اقتصادی طولانی‌مدت نتوانسته ایجاد کند. مشارکت اقتصادی زنان کلید موفقیت هر اقدامی است که به منظور نیل به بهبود وضعیت جامعه و تسهیل توسعه پایدار صورت می‌گیرد؛ زیرا همان‌طور که می‌دانیم امروزه برای برنامه‌ریزان تکیه بر الگوهای اقتصادی توسعه درون‌زا و خودیار امری لازم و ضروری می‌باشد، زیرا اگر الگوی مدیریت مشارکتی اقتصادی اجرا شود تمام افراد جامعه خلاقیت و تلاش خود را به کار می‌گیرند تا هر کدام نظر اصلاحی برای ایجاد بهبود در وضعیت جامعه بدهند. بدین ترتیب توسعه پایدار با هدف برطرف کردن احتیاجات انسانی و بهبود شرایط کیفی زندگی، به عنوان قالب مناسبی برای تعیین نحوه بهره‌برداری از منابع و ایجاد رابطه متعادل و متوازن بین انسان، اجتماع و طبیعت محسوب می‌شود. لذا با تأکید به رهیافت مشارکت اقتصادی زنان و مردان با حرکت از پایین و دو سویه، اگرچه در ابتدا ممکن است کارایی آرمانی را نداشته باشد، بلکه باعث افزایش توان اجتماعات در پاسخ‌گویی به نیازهایشان و شرکت مردم در جریان توسعه اقتصادی است. این رهیافت به دلیل حضور مردم به ویژه زنان در مدیریت اقتصادی محلی، گرایش به درون‌زایی، عدالت خواهی و سازگاری با اقتصاد محیط زیست دارد. در نتیجه مشارکت زنان در کلیه زمینه‌های زندگی اقتصادی، یکی از مهمترین عوامل دستیابی به توسعه پایدار اقتصادی روستایی بوده و ضرورتی بنیادین دارد.

پیشنهادات

* تدوین سند توسعه اشتغال و کارآفرینی زنان در بخش‌های مختلف اقتصادی منطقه مورد مطالعه.

* تشکیل نهادهای مستقیم مرتبط با کارآفرینی اقتصادی منطقه مورد مطالعه.

- * فراهم سازی خدمات ویژه‌ای در فراهم ساختن منابع مالی برای زنان روستایی کارآفرین و بیمه سرمایه و تولیدات آنان به منظور رشد در شاخص‌های فروش، سود و بازار زنان روستایی، زمینه توسعه خوداشتغالی آنان را فراهم سازند.
- * توسعه زیر ساختهای اقتصادی و توسعه کارآفرینی و فراهم آوردن امکان دسترسی به سرمایه به خصوص سرمایه های مخاطره پذیر.
- * فراهم نمودن امکانات آموزشی لازم در ابعاد اقتصادی برای زنان روستایی در راستای دستیابی به توسعه پایدار روستایی.

منابع

- ۱- احمدپورداریانی، محمود، مقیمی، سیدمحمد (۱۳۸۵) مبانی کارآفرینی. تهران: فرا اندیش.
- ۲- افتخاری رکن الدین، عبدالرضا (۱۳۸۴) تئوری‌ها و نظریات برنامه‌ریزی توسعه روستایی، گروه جغرافیا و سنجش از دور دانشگاه تربیت مدرس خباززاده، نسیم (۱۳۹۰) جایگاه زنان روستایی و موانع مشارکت آنها در فرایند توسعه، دهیاری‌ها، شماره ۶.
- ۳- بدری، سید علی- رکن الدین افتخاری، عبدالرضا، (۱۳۸۲) ارزیابی پایداری مفهوم و روش، تحقیقات جغرافیایی، شماره ۶۹.
- ۴- جمهری، خدیجه بوزر، رومیانی، احمد، اسماعیلی، آسیه (۱۳۹۳) بررسی عوامل موثر بر رشد کارآفرینی در تقویت جوامع روستایی در راستای توسعه پایدار، همایش ملی چشم انداز توسعه پایدار روستایی در برنامه ششم توسعه کشور دانشگاه تهران.
- ۵- حسینی، طیبه، لشگرآرا، فرهاد، (۱۳۹۳) شناسایی عوامل مؤثر بر توسعه مهارت‌های کارآفرینی در تعاونی‌های زنان روستایی استان فارس فصلنامه پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی، سال هفتم، شماره ۲.
- ۶- رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۳) مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران. تهران انتشارات نشر قومس.
- ۷- عمادی محمدحسین (۱۳۷۷) تسریع روند توسعه روستایی از طریق اولویت بخشی به زنان و تحول در پژوهش. فصلنامه روستا و توسعه، سال ۲، شماره ۴.
- ۸- علی بیگی، امیر حسین، حسین بابایی، محمد، غلامی، مصیب (۱۳۹۱) تحلیل انگیزه‌های زنان روستایی برای مشارکت در برنامه‌های آموزشی و ترویجی فصلنامه علمی پژوهشی زن و جامعه، سال سوم، شماره چهارم.
- ۹- علاءالدینی، پویا و محمدرضا رضوی (۱۳۸۳) وضعیت مشارکت و اشتغال زنان در ایران، فصلنامه‌ی رفاه اجتماعی، سال سوم، شماره ۱۲.
- ۱۰- فرخی، طاهره (۱۳۷۶) نقش زنان در توسعه‌ی پایدار، تواناسازی زنان، ماهنامه تعاون. دوره جدید. شماره ۷۴.

- ۱۱- قدرتی، حسین (۱۳۹۴) فراز و فرود اشتغال زنان در ایران و تفاوت آن با روندهای جهانی فصلنامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق) دوره ۹، شماره ۳.
- ۱۲- کتابی، محمود؛ بهجت یزدخواستی؛ زهرا فرخی راستایی (۱۳۸۲) توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه، فصلنامه پژوهش زنان. دوره ۱ سال ۳.
- ۱۳- کلاگر پیمان آقائی، مریم (۱۳۹۳) بررسی نقش کارآفرینی کشاورزی در توسعه روستایی نشریه کارآفرینی در کشاورزی جلد اول، شماره اول.
- ۱۴- کرد، باقر، آبتین، عبدالعزیز (۱۳۹۲) بررسی عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی روستایی در استان سیستان و بلوچستان با تمرکز بر توسعه مراکز رشد روستایی، توسعه فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات و توانمندسازی زنان روستایی فصلنامه جغرافیا و توسعه شماره ۳۲.
- ۱۵- میرترابی، مهدیه السادات و حجازی، یوسف (۱۳۹۰) بررسی تأثیر ویژگی‌های فردی و خانوادگی زنان روستایی بر انگیزه مشارکت آنها در فعالیتهای کشاورزی، مجموعه مقالات دومین همایش ملی توسعه پایدار روستایی، همدان دانشگاه بوعلی سینا.
- ۱۶- مسیرا، آ. پی (۱۳۶۵) توسعه روستایی و مسایل و مشکلات آن، ترجمه علی‌اکبر فیاض، ویژه‌نامه روستا و توسعه.
- ۱۷- یدالهی فارسی، جهانگیر، سیدمصطفی، رضوی (۱۳۹۱) نقش سرمایه اجتماعی و سرمایه انسانی در کارآفرینی جوانان در روستاهای بخش کربال پژوهش‌های جغرافیای انسانی (پژوهش‌های جغرافیای دوره ۴۴ شماره ۷۹).
- ۱۸- یعقوبی فرانی، احمد (۱۳۹۳) تحلیل عوامل مؤثر بر کارآفرینی زنان روستایی ... فصل نامه علمی پژوهشی زن و جامعه شماره سوم - سال پنجم.
- ۱۹- نجفی کانی، علی اکبر، حسام، مهدی، آشور، حدیثه (۱۳۹۴) سنجش وضعیت توسعه کارآفرینی در مناطق روستایی مورد دهستان استرآباد جنوبی در شهرستان گرگان فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال چهارم، شماره ۱.

20- Chamhuri, S (1996). Rural Development in jomo K. S. and Ng. Siew Kiat (eds), Malaysia's.

21- Laukkanen Mauri (2003). "Exploring academic entrepreneurship: drivers and tensions of university based business", Journal of Small Business and Enterprise Development, Volume 10, Number 4.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی